

## آسیب‌شناسی سبک زندگی ایرانیان \* و طراحی الگوی زندگی بهشتی

□ جواد یعقوبی<sup>۱</sup>  
□ عباسعلی سلطانی<sup>۲</sup>

### چکیده

انقلاب اسلامی حامل روش تازه زندگی و متكلف فتح باب جدیدی در شیوه زیست انسان بود. از این رو تحقیق در سبک زندگی، در واقع گام برداشتن در جهت تعمیق ارزش‌ها و آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی است. سبک زندگی یکی از موضوعات جدید در جامعه ماست که بعد از تأکیدات مقام معظم رهبری جای خود را به عنوان یک بحث نوبنیاد در تحقیقات پژوهشگران باز کرده است. نوشتار پیش رو نگاهی چند وجهی به این موضوع دارد؛ از سویی در پی بررسی و مطالعه شیوه زندگی مردم جامعه امروز ایران و تشریح میزان نفوذ مدل‌های غربی و غیر اسلامی - ایرانی بر زندگی ایرانیان است. از سوی دیگر به آثار فکری و علمی که توسط روشنفکران در این زمینه نگاشته شده، نظری افکنده و این هر دو را به نقد کشیده و در فرجام نیز به تبیین و ترسیم زندگی آرمانی مبتنی بر ارزش‌ها و اصول اسلامی - ایرانی پرداخته است؛ زندگی آرمانی که این نوشتار آن را زندگی بهشتی می‌نامد. در این مقاله آسیب‌شناسی سبک زندگی امروز جامعه و فرهنگ ما در مقایسه با سبک زندگی مورد نظر قرآن، احادیث، سیره زندگی پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام و

دانشجویی  
کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی  
دانشگاه فردوسی مشهد  
نویسنده مسئول

۱۸۷»

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۵/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۰۹

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار و عضو هیأت علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

تفاوت‌های اساسی میان این دو گونه زندگی تشریح شده و جهت اثبات این مدعای مستندات و دلایل متعددی نظری مستندات فقهی، قرآنی، روایی و نیز پرسشنامه اقامه شده است. بنابراین چارچوب این نوشتار چنین است؛ گام نخست آسیب شناسی زندگی امروز ایرانیان از طریق مطالعه شواهد و مدارک عینی موجود و در گام دوم طراحی گونه‌ای از زندگی بهشتی متفاوت با سبک زندگی مرسوم، از طریق ارائه مستندات فقهی، قرآنی، روایی و تاریخی از زندگی بزرگان دینی. روش این پژوهش کتابخانه‌ای - میدانی است.

واژگان کلیدی: زندگی بهشتی، سبک زندگی آرمانی، سبک زندگی فقهی، سبک زندگی اسلامی، سبک زندگی غربی.

### مقدمه

انسان برای زیستن به این دنیا قدم می‌گذارد پس شیوه زیستن اهمیت غیر قابل انکاری دارد. آیا می‌توان بدون توجه به هدف، و بدون برنامه زندگی کرد؟ مسلماً پاسخ منفی است. بنابر این پرداختن به مبحث سبک زندگی امری ضروری است که خوشبختانه با توجه مقام معظم رهبری مورد عنایت صاحبان قلم و اندیشه قرار گرفته است. گرچه انسان همیشه براساس یک برنامه و هدف زندگی کرده است، هر چند خود به آن آگاه نبوده، اما مباحث نظری مربوط به این موضوع به تازگی مطرح شده است. در این نوشتار به دلیل اهمیت برنامه زندگی و کیفیت آن، ما در بخش اول، سبک زندگی مورد تأیید و تأکید قرآن، نهج البلاغه و ائمه معصومین علیهم السلام در موضوعات همسایه، والدین و حقوق آنها در فقه و حقوق و با توجه به اهمیت قانون و عدالت در سبک زندگی اسلامی، به این موضوعات که همان برنامه و کیفیت برنامه است، می‌پردازیم و آن گاه در بخش دوم این مقاله به آسیب‌شناسی شیوه و منش زندگی امروز ایرانیان توجه می‌کنیم و آراء و نظریات دانشمندان ایرانی و غربی را در باب شیوه زندگی مطرح می‌کنیم و در فرجامین بخش این نوشتار نیز به ارائه یک سبک زندگی که از قرآن برداشت شده می‌پردازیم.

## سبک زندگی آرمانی

### ۱. همسایه

﴿۱۸۹﴾

طرح عنوان همسایه در این نوشتار و ربط آن به موضوع مقاله حاضر، چنین است که ما در صدد اثبات این حقیقت هستیم که در سبک زندگی امروز ایران اسلامی، همسایه، جایگاه و ارزش سابق، که بسیار مورد تأکید قرآن و پیامبران ﷺ بوده را ندارد و این دقیقاً به خلاف قرآن، نهج البلاغه، احادیث معصومین ﷺ و اعمال و اقوال آنهاست؛ چرا که آنها همواره در همه شؤون و جهات از حقوق همسایگی صحبت به میان آورده‌اند و بر رعایت آن تأکید کرده‌اند که در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد.

ابتدا ما واژه همسایه را از نظر لغت، ریشه‌یابی می‌کنیم و سپس با آوردن مثال‌هایی از قرآن، احادیث، حکایات و سیره معصومین ﷺ، که به حقوق همسایه اشعار دارد، مطلب خود را در این بخش به پایان خواهیم رساند.

#### ۱.۱. همسایه در لغت

واژه جار، از ریشهٔ جور، به معنای میل و عدول است و فعل آن از باب مفاعله (مجاوره، جوار) به معنای همسایگی است؛ «الْجَارُ هو الَّذِي يُجَاوِرُكَ يَيْتَ بَيْتَ» (تاج العروس من جواهر القاموس، ۱۴۱۴ق، ۲۱۷/۶)؛ به طوری که سایهٔ دیوار خانهٔ همسایه در خانهٔ ما می‌افتد؛ «هو الَّذِي يُجَاوِرُكَ فِي الْمَسْكَنِ وَ يَمْيلُ ظِلَّ بَيْتِهِ إِلَى بَيْتِكَ، مِنَ الْجُورِ الْمَيْلِ» (طريحي، ۱۳۷۵، ۲۵۱/۳) و همچنین با عنایت به آیه ۳۶ سورهٔ نساء و به اعتبار معنی آن، کسی که نزدیک است جار خوانده شده، مثل «شَمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» (احزاب/۶۰)؛ در آنجا جز اندکی همسایه تو نباشد. «قطَعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ» (رعد/۴)؛ قطعه‌های نزدیک هم. راغب گوید: چون حق همسایه عقلاء و شرعاً بزرگ است، لذا به هر کسی که حق او بزرگ است و یا حق دیگری را بزرگ می‌داند جار گفته‌اند، مثل «لَا غَالِبَ لَكُمُ الْيَوْمَ ... وَ إِنِّي

جار لَكُم﴾ (انفال/٤٨)؛ یعنی من امان شمایم و حقتان را بزرگ می‌دانم. و از این حساب است آیه «وَ هُوَ يُجِيرُ وَ لَا يُجَارُ عَلَيْهِ» (مؤمنون/٨٨)؛ او امان می‌دهد و امان داده نمی‌شود (راغب اصفهانی، ١٤١٢ق، ٢١٢).

## ۲. همسایه در قرآن

در قرآن کریم، واژه جار دو بار در آیه ۳۶ نساء و یک بار در آیه ۴۸ انفال به کار رفته است. جار در آیه اول، به معنای همسایه است و در باب معنی و تفسیر دو ترکیب «الْجَارِ ذِي الْقُرْبَى» و «الْجَارِ الْجُنْبِ» در این آیه، اقوال مختلفی نقل شده است. ابن عباس، مجاهد، قتاده، ضحاک و ابن زید گویند: مقصود همسایگانی است که با انسان خویشاوندی دارند و همسایگانی که خویشاوندی ندارند. از پیامبر گرامی ﷺ روایت شده است که «همسایگان بر سه دسته‌اند؛ همسایه‌ای که سه حق دارد؛ حق مسلمانی، حق همسایگی و حق خویشاوندی. همسایه‌ای که دو حق دارد؛ حق همسایگی و حق مسلمانی و همسایه‌ای که یک حق دارد و آن مشرکی است که از اهل کتاب باشد». بنابر این همسایه مشرک هم حق همسایگی دارد، خواه اهل کتاب باشد خواه نباشد (ترجمة مجمع البيان فی تفسیر القرآن، ١٤٢).

سپس قرآن درباره کسانی که با انسان دوستی و مصاحت دارند، توصیه به نیکی می‌کند «وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ». این واژه معنایی وسیع‌تر از دوست و رفیق دارد و در واقع هر کسی را که به نوعی با انسان نشست و برخاست کند، در بر می‌گیرد. به این ترتیب، آیه یک دستور جامع و کلی برای حسن معاشرت نسبت به تمام کسانی که با انسان ارتباط دارند می‌باشد، اعم از دوستان واقعی، همکاران، همسفران، مراجعان، شاگردان، مشاوران، و خدمت‌گزاران (مکارم شیرازی، ١٣٧٤، ٤٨٥).

### ۳.۱. همسایه در احادیث معصومین علیهم السلام و نهج البلاغه

در احادیث پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم و امامان شیعه علیهم السلام مطالب فراوانی درباره رعایت حقوق همسایه آمده است. در حدیثی رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: «اگر از تو کمک خواست کمکش کنی، اگر از تو قرض خواست به او قرض دهی، اگر نیازمند شد نیازش را بطرف سازی، اگر مصیتی دید او را دلداری دهی، اگر خیری به او رسید به وی تبریک گویی، اگر بیمار شد به عیادتش روی، وقتی مرد در تشییع جنازه‌اش شرکت کنی، خانه‌ات را بلندتر از خانه او نسازی تا جلوی جریان هوا را بر او بگیری مگر آن که خودش اجازه دهد...» (شهید ثانی، بی‌تا، ۱۰۵). در حدیثی دیگر، حرمت همسایه در حدی دانسته شده که آزردن او باعث سلب ایمان می‌گردد و حتی چنین کسی لعن شده است. همچنین رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم درباره اهمیت رعایت حقوق همسایه فرمودند: «ما زال جبرئیل یوصینی بالجار حتی ظننت انه سیورنه» (پاینده، ۱۳۸۲، ۷۰۰)؛ آن چنان جبرئیل درباره همسایه به من سفارش می‌نمود، که تصور کردم همسایه از همسایه ارث می‌برد.

در احادیث، همسایه از چنان منزلتی برخوردار است که حتی در هنگام دعا کردن باید وی را بر خود مقدم داشت، چنان که براساس حدیثی، حضرت فاطمه علیها السلام تا صبح برای زنان و مردان مؤمن دعا کرد، ولی در حق خود دعا نکرد و فرمود «الجار ثم الدار» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۱۳).

امام علی علیه السلام، تعصب‌های غلط و افتخارات بیهوده را به باد انتقاد می‌گیرند، تأکید می‌کنند که اگر کسی بخواهد تعصب به خرج دهد و افتخار نماید، باید کردار نیک و خصال پسندیده را ملاک میاهات قرار دهد؛ که نخستین این حالات مستحسن از دیدگاه آن حضرت علیه السلام، حفظ حقوق همسایه است. وقتی همام، یکی از اصحاب پرواپیشه آن امام همام، خواست که ویژگی‌های پرهیزکاران را وصف کنند، حضرت علیه السلام، یکی از ویژگی‌های افراد باتفاق را ضرر نرسانیدن به همسایه بر شمردند. همچنین در وصیت‌نامه خویش، خطاب به

فرزندشان می‌فرمایند: «وَاللَّهُ أَفْعَلُ فِي جِيرَانِكُمْ فَأَنْهُمْ وَصِيهَةُ نَبِيِّكُمْ مَا زَالَ يُوصَىَ بِهِمْ حَتَّىٰ ظَنَّنَا أَنَّهُ سَيُورُّهُمْ» (ترجمة نهج البلاغه، اردبیلی، ۳۰۷).

امام سجاد علیه السلام، در رساله حقوق، ۵۱ حق را برشمرده‌اند؛ درباره حق همسایه فرمودند: اما حق همسایه، حفظ او در نهان، بزرگداشت وی در عیان و حمایت او است، در صورتی که ستم دیده باشد و اگر احتمال تأثیر انذار می‌دهی، او را نصیحت کنی، در وقت ناملایمات و سختی‌ها او را رهانکنی؛ از خطأ و لغزش او در گذری، جرمش را بیخشی و با او از روی کرامت و بزرگوارانه معاشرت کنی (ابن بابویه، ۱۳۸۲، ۵۶۹). همچنین یکی از دعا‌های صحیفة سجادیه، به مسائل همسایگان و دوستان اختصاص یافته است (صحیفة سجادیه، دعای ۲۶).

همچنین در مورد حد و حدود همسایگی احادیث فراوانی از ائمه نقل شده است که در یکی از آنها حضرت علی علیه السلام حد و حدود همسایگی را تا چهل منزل از هر طرف می‌داند «وَالجِوارُ أَرْبَعَونَ دَارًا مِنْ أَرْبَعَةِ جَوَانِهَا» (ابن بابویه، ۱۳۸۲، ۵۴۴).

## ۲. عدالت و قانون

عدالت و قانون از موضوعاتی است که بسیار مورد تأکید اسلام قرار گرفته؛ خداوند در آیات بسیاری، مسلمانان را به اقامه عدل بر روی زمین و رعایت به قانون دعوت کرده است. در آیه ۸ سوره مائدہ، راه پرهیزکاری را در رعایت عدالت می‌داند تا جایی که می‌فرماید: مبادا دشمنی با گروه یا جمعیتی باعث شود که شما عدالت را در مورد آنها رعایت نکنید. در آیه ۲۵ حدید، هدف از بعثت پیامبران علیهم السلام را اجرای عدالت در زمین می‌داند تا مردم را هدایت کنند. امام صادق علیه السلام در حدیثی اجرای عدالت را راه‌گشای تمام امور می‌داند: «عدالت شیرین‌تر از آبی است که به جگر سوخته رسد، چه گشایشی است در عدالت، زمانی که در امری عدالت شود اگر چه کم باشد» (کلینی، ۱۳۶۹، ۲۱۹).

عدالت به معنای دادگری کردن، عدالت در لغت استقامت باشد و در شریعت عبارت از استقامت بر طریق حق است به اجتناب از آن چه محظوظ است در دین (دهخدا، ۱۳۹۰۴/۹).

واژه قانون، در اصل سریانی یا یونانی است و پس از انتقال به لغت عرب، در معنای اندازه، مقیاس اشیاء و قضیه کلی که بیان گر یک رشته جزئیات است و نیز به معنای اصل هر چیز به کار رفته است. این کلمه مجازاً به معنای قاعده و دستور می‌باشد (پاشا (متخلص به شادفرهنگ)، ۱۳۳۵، ۳۳۰۴). قانون در اصطلاح علوم مختلف، معنای متفاوت دارد، همانند قوانین طبیعی، قوانین فلسفی، قوانین فیزیکی و قوانین ریاضی که هر یک به گونه‌ای خاص تعریف شده‌اند. قانون در اصطلاح حقوق اساسی، قضایایی است که شیوه رفتار انسان را در زندگی اجتماعی تعیین می‌کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ۵۱۷-۵۱۸).

در اصطلاح حقوق‌دانان، کاربرد این واژه در موارض مختلفی لحاظ شده است؛ گاهی مجموع رفتارهای عملیاتی دستگاه قدرت حاکمه و ضوابط حاکم بر آن را حرکت قانونی در جهت سامان‌بخشی ساختار عملی حکومت می‌خوانند. بر این اساس حتی حرکت‌های غیر مدون نیز وجه قانونی داشته و تحت شعاع قانون قابل توجیه است و نیازمند قوانین مدون و منصوص نخواهد بود (گروهی از مؤلفان، ۱۳۶۸، ۲۹۱).

## ۱.۲. قانون و سبک زندگی

هدف از تدوین قانون در جوامع گوناگون، به خصوص جوامع غربی و سکولار، کاهش قتل و آدم‌کشی، دزدی و تجاوز و به طور کلی کاهش جرم و مجازات است. از این رو نگاه آنها به دنیا و متعلقات آن، یک نگاه صرفاً مادی است و از قانون به عنوان یک ابزار کارگشا برای پیش بُرد این هدف استفاده می‌کنند. این نوع نگاه به زندگی و این نوع طرز تفکر، خود مبدع سبک خاصی از زندگی در جوامع غربی شده که از آن به عنوان سبک زندگی مصرف‌گرایی و مبتنی بر

## ۲.۲. عدالت و قانون در قرآن

هدف از تدوین قوانین الهی، علاوه بر مادی بودن آن، معنوی بودن آن می‌باشد. در این نوع طرز تفکر، هدف، تعالی روحانی و معنوی زندگی است. پیامبران الهی ﷺ نیز با اعمال و اقوال خود بر این حقیقت صحه گذاشته‌اند. پیامبر اسلام ﷺ در حدیثی می‌فرمایند: «الدّنیا مزرعة الآخرة» (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ۸۶). این حدیث نشان می‌دهد که رسول خدا ﷺ هم به مادی بودن دنیا در سبک زندگی خود می‌اندیشد و هم به معنوی بودن آن. در سبک زندگی اسلامی، انسان‌ها از احوال اقوام و همسایه‌هایشان باخبر هستند، به عدالت اعتقاد دارند و به قوانین احترام می‌گذارند و نسبت به والدین خوبیش خوش‌رفتار هستند. انسان‌ها در سبک زندگی مبتنی بر قوانین الهی و قرآن، تلاش می‌کنند که رضایت خداوند را به دست آورند. پرسشی که در اینجا مطرح است آن که «آیا سبک زندگی مصرف‌گرای جامعه امروز ما همان چیزی است که در قوانین الهی و قرآن به آن اعتقاد داریم؟». جامعه ما در سبک زندگی خود دچار تعارض شدیدی در آنچه بدان اعتقاد دارد و آنچه بدان عمل می‌کند شده است. متأسفانه ما به جای این که مؤثر بر فرهنگ‌های دیگر باشیم بیشتر متأثر بوده‌ایم. توجه به این نکته ضروری است که مفهوم غرب هیچ‌گاه الزام جغرافیایی نداشته است، می‌توان از نظر جغرافیایی در شرق عالم بود، اما در فرهنگ غرب سهیم شد و از سبک زندگی آنها تأثیر پذیرفت، آن گونه که ژاپن جزوی از فرهنگ و تاریخ غرب است و همچنین می‌توان در غرب جغرافیایی عالم بود و فارغ از فرهنگ و تاریخ غرب بود مانند بومیان آمریکای لاتین. از این رو دگرگونی‌ها و دگردیسی‌های زمانی و مکانی تأثیری در غربی شدن کشورها ندارد.

آیه ۹۰ سوره نحل «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَا عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»، جامع ترین برنامه در زمینه مسائل اجتماعی و انسانی و اخلاقی را بیان می کند. عدل همان قانونی است که تمام نظام هستی بر محور آن می گردد. به معنی واقعی کلمه آن است که هر چیزی در جای خود باشد. بنابراین، هرگونه انحراف، افراط، تفریط، تجاوز از حد، تجاوز به حقوق دیگران به خلاف عدل است، اما از آنجا که عدالت با همه قدرت و شکوه و تأثیر عمیقش در موقع بحرانی و استثنایی به تنها یکی کارساز نیست، بلا فاصله دستور به احسان را پشت سر آن می آورد. در حدیثی از علی علیهم السلام می خوانیم: «عدل آن است که حق مردم را به آنها برسانی، و احسان آن است که بر آنها تفضل کنی» (بابایی، ۱۳۸۲، ۵۹۳/۲).

### ۳.۲. عدالت و قانون در روایات

پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام نیز به پیروی از قرآن، اهمیت بسیاری برای عدالت قائل شده‌اند. در روایتی از رسول اکرم ﷺ آمده است: ساعتی عدالت بهتر از هفتاد سال عبادت است (طبرسی، ۱۳۷۴، ۵۴۴). روشن است که عبادت نیز در زندگی انسان تأثیر می‌گذارد، اما در قیاس با عدالت اهمیت آن بسیار کمتر است. شاید یکی از وجوده اهمیت عدالت، تأثیر آن بر زندگانی اجتماعی انسان باشد، زیرا بی عدالتی یا رعایت عدالت می‌تواند به سرعت بر روش زندگی انسان‌ها تأثیر بگذارد. در روایت دیگری از امام صادق علیهم السلام می‌خوانیم: اگر در میان مردم عدالت برقرار شود، همه بی نیاز می‌شوند و به اذن خداوند متعال آسمان روزی خود را فرو می‌فرستد و زمین برکت خویش را بیرون می‌ریزد (کلینی، ۱۳۶۹، ۵۶۸/۳).

### ۳. والدین

در الگوی سبک زندگی اسلامی، پدر و مادر از جایگاه والایی برخوردار هستند،

تا آنجا که خداوند در آیه ۲۳ سوره اسراء، اُف گفتن به آنها را هم جایز نمی‌داند و حتی با اسناد نقل شده، امام رضا علیه السلام فرمودند که پدرم جعفر علیه السلام فرموده: «پست ترین درجه عاق والدین گفتن کلمه اُف» است. و اگر از این کلمه‌ای پست‌تر می‌بود، همانا خدا از گفتن آن هم انسان را نهی می‌کرد» (امام رضا علیه السلام، ترجمه حجازی، ۱۴۰۶ق، ۱۰۹).

اهمیت احترام به پدر و مادر در کلام معصومین علیهم السلام نیز به چشم می‌خورد. امام زین العابدین علیه السلام در دعای بیست و چهارم از صحیفه سجادیه تعظیم و بزرگداشت والدین در همه شرایع را مورد تأکید قرار داده، سپس می‌فرماید: «مردی بر رسول خدا علیه السلام گفت: مرا عملی بیاموز که به وسیله آن به رحمت خدا نزدیک شوم، فرمود: پدر و مادر داری؟ گفت: آری، فرمود: به ایشان نیکویی کن که نیکویی درباره آنها از همه چیز به رحمت حق نزدیک‌تر است» (امام سجاد علیه السلام، ۱۳۷۶، ۱۵۸).

نیکی به پدر و مادر و احترام به آنها منشأ خیر و برکت فراوان است؛ حتی می‌شود از آن به شناخت بیشتر خداوند رسید. امام صادق علیه السلام در ذیل حدیثی در این باره می‌فرمایند: «... عبادتی نیست که انسان را سریع‌تر برساند به رضای پروردگار، و بهتر باشد از نیکویی به والدین برای خدا، و حق پدر و مادر از حقوق خدا جدا و متفرع می‌شود، به شرط آن که بر طریقه دین و روی روش اسلامی سلوک کنند» (منسوب به امام ششم علیه السلام، ۱۴۰۰ق، ترجمه مصطفوی، ۳۱۱). بنابراین در سبک زندگی دینی جایگاه والدین بسیار رفیع است.

توجه به نکات فوق اهمیت همسایه و حقوق آن، عدالت و قانون و احترام به والدین را در سبک زندگی اسلامی نشان می‌دهد. در ادامه این نوشتار بیشتر به مسئله سبک زندگی خواهیم پرداخت.

### سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی از موضوعاتی است که پیش‌تر ذهن اندیشمندان غربی و در حال

حاضر ذهن محققان ما را در گیر خود کرده است. همچنین هشدار مقام معظم رهبری در مورد تهاجم فرهنگی طی سالیان گذشته و ارتباط ناگزیر آن با سبک زندگی ملت ایران، که برگرفته از اسلام و دین میباشد، بر اهمیت این موضوع افوده است. ایشان در سفر مهرماه سال ۹۱ به استان خراسان شمالی ضمن دعوت برای طراحی سبک زندگی فرمودند: «ما برای تحقیق پیشرفت همه جانبه که در واقع همان تمدن نوین اسلامی است، نیازمند پیشرفت در دو بُعد هستیم؛ بُعد ابزاری و بُعد محتوایی. پیشرفت ما در بُعد ابزاری و سخت افزاری این تمدن تا به حال خوب بوده است، اما در بُعد شیوه زندگی، که بخش نرم افزاری تمدن اسلامی است، پیشرفت خوبی نداشته ایم» (بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم خراسان شمالی، ۱۳۹۱).

در مسیر طراحی سبک زندگی اشکالاتی نیز وجود دارد که ایشان این اشکالات را در قالب ۲۹ سؤال مطرح کردند. به عنوان مثال در سبک زندگی ایرانی - اسلامی نباید ربا و رشو و مشکلات خانوادگی گسترده باشد و خیلی موارد دیگر نظری رعایت حقوق متقابل زن و شوهر، خانواده، ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریح، کسب و کار و رفتارهای فردی و اجتماعی در محیط های مختلف و خیلی مسائل دیگر، که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهم کرد.

### ۱. آسیب‌شناسی سبک زندگی

در آسیب‌شناسی سبک زندگی باید گفت سبک کنونی زندگی ما التقاطی است. بنابراین باید برای پالایش آن اقدام کنیم. در این پالایش نباید تمامی متغیرهای سبک زندگی را تک تک ردیف کنیم و مثلاً بخواهیم هم زمان ۵۰ مسئله سبک زندگی را تغییر دهیم. این کار شدنی نیست. ابتدا باید یک یا دو عامل اصلی را که دیگر عوامل تابع آنها هستند، انتخاب کنیم و روی آنها کار کنیم. اگر این عوامل اصلی تغییر کرد، خود به خود عوامل فرعی هم تغییر می‌کنند.

### ۱.۱. فردگرایی و بی‌توجهی به دیگران

مهم‌ترین آسیب سبک زندگی که باید تغییر کند، «فردگرایی<sup>۱</sup>» است. فردگرایی یک آسیب جدی در سبک زندگی است. دنیای امروز و حتی جهان شرق به دلیل جهانی شدن به سمت فردگرایی می‌رود. به عنوان مثال جمله «این مشکل شماست» متعلق به فرهنگ فردگرایی؛ فرهنگی که رشد و رواج باورهای آن باعث می‌شود که مسئولیت‌پذیری در قبال دیگران کم‌رنگ شود.

امروزه فردگرایی باعث شده که همسایه‌ها یکدیگر را نمی‌شناسند و نسبت به هم بی‌تفاوت شده‌اند و این به خلاف سیره معصومین ﷺ است. رسول خدا ﷺ در مورد حقوق همسایه می‌فرمایند: «اگر از تو کمک خواست کمکش کنی، اگر از تو قرض خواست به او قرض دهی، نیازش را بر طرف سازی، اگر مصیبتی دید او را دلداری دهی، اگر خیری به او رسید به وی تبریک گویی، اگر بیمار شد به عیادتش روی، در تشییع جنازه‌اش شرکت کنی، خانه‌ات را بلندتر از خانه‌ او نسازی تا جلوی حریان هوا را برابر او بگیری...» (مسکن المؤاد، ۱۰۵).

### ۲.۱. مصرف‌گرایی

در مسأله کیفیت و کمیت مصرف، غرب با نظریه‌های استعماری و پیشرفت فناوری و صنعتی خود، توانست جوامع دیگر را از حالت انسجام فرهنگی جدا سازد و آنان را با هجوم ارزش‌های خود، به صورت چند پارچه فرهنگی درآورد. صدھا سبک لباس، مسکن و الگوهای آرایشی را با هجوم فرهنگی خود بر دیگر جوامع وارد کرد و روحیه مصرف‌زدگی و تجمل پرستی را گسترش داد. باید اذعان کرد که ما نیز با واکاوی زندگی امروز ایرانی، با تضارب متعددی از ساختارهای قابل تأمل مواجه هستیم. اگر واقع بینانه به موضوع بنگریم، آنچه شاهد آن هستیم، التقاطی از فرهنگ غرب و فرهنگ مرسوم ایرانی و دینی است. آنچه می‌تواند از هجوم این نوع فرهنگ بر دیگر جوامع جلوگیری کند، آگاهی و توجه کشورها به حافظه تاریخی، ارزش‌ها، تمدن و فرهنگ خودی است.

۳.۱. نتایج یک تحقیق میدانی در باب تقلید از سبک زندگی غربی در ایران بر همین اساس ما در روشی میدانی اقدام به توزیع ۱۰۰ پرسشنامه در بین دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاهی کردیم تا براساس همین پرسشنامه اثبات نمائیم که نسل جوان ما که پیش قراول فرهنگ کشور هستند و آینده این مملکت را به دست خواهند گرفت چه برداشتی از سبک زندگی دارند. نتایج این پرسشنامه که در ادامه به طور مفصل به آن خواهیم پرداخت به طرز حیرت‌آوری مهر تأیید بر این فرضیه زد که جامعه‌ما بیشتر علاقه دارد در مسیر فرهنگ مصرف‌زده و مادی غربی قدم بردارد تا فرهنگ اسلامی.

### ۱.۳.۱. متن سؤالات پرسش نامه

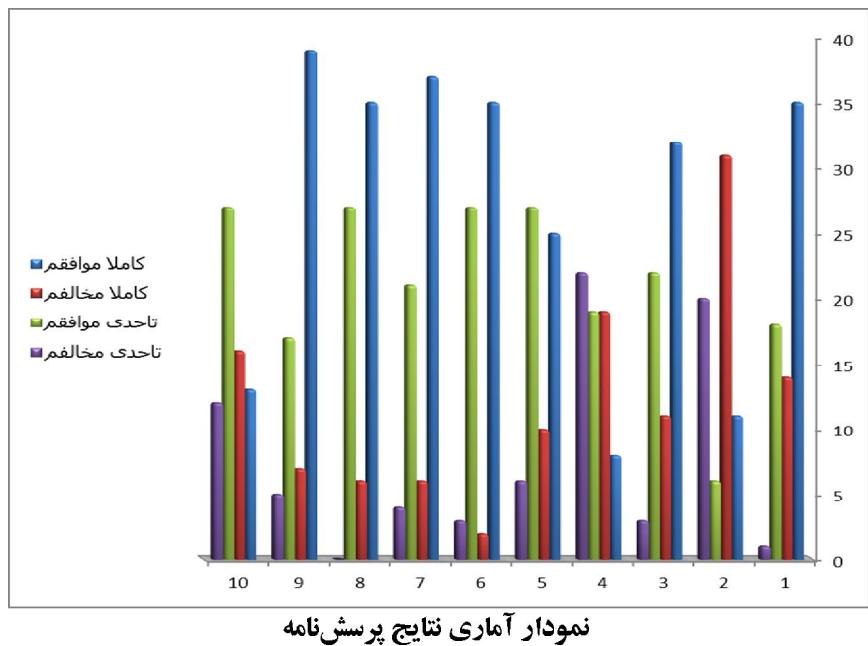
مخالفم	تاجدی موافقم	تاجدی موافقم	کاملاً مخالفم	کاملاً موافقم	
					۱. در جامعه ما رشته‌های فنی و مهندسی، شان و منزلت بالاتری از رشته‌های علوم انسانی دارا هستند.
					۲. در جامعه ما رشته‌های علوم انسانی نسبت به رشته‌های فنی و مهندسی از قدر و منزلت بالاتری برخوردار هستند.
					۳. هر شغل یا رشته دانشگاهی که درآمد بیشتری دارد، از جایگاه بالاتری برخوردار است.
					۴. مشاغلی که منافع معنوی بیشتری برای جامعه در پی دارد از ارزش بالاتری برخوردار است، هر چند درآمد مادی آن قابل توجه نباشد.
					۵. جایگاه اجتماعی انسان‌ها در جامعه ما براساس درآمد شغلی معین می‌شود.
					۶. کم و کیف زندگی در جامعه ما، رابطه مستقیمی با شغل، میزان درآمد و رشته دانشگاهی دارد.
					۷. دانشجویان رشته‌های پردرآمد دانشگاهی از اعتماد به نفس و اطمینان خاطر بیشتری نسبت به تأمین آتیه زندگی خود، در مقایسه با سایر رشته‌های دانشگاهی قائل هستند.
					۸. هدف اکثریت دانشجویان از ورود به دانشگاه، تأمین مالی آینده زندگی آنهاست تا ارتقاء دانش و معنویت و اخلاق و....
					۹. خانواده‌ها در جامعه ما، فرزندان خود را بیشتر به تحصیل در رشته‌های با درآمد بالا تشویق و ترغیب می‌کنند.
					۱۰. درآمد مالی بالاتر مساوی است با سعادت و خوشبختی بیشتر.

﴿۲۰﴾

### ۲.۳.۱. نتایج پرسش‌نامه

۲۰۱)

اما نتایج پرسش‌نامه، که به صورت نمودار تنظیم شده است، بیان‌گر تأیید و اثبات فرضیه ماست و به نوعی سبک زندگی امروز جامعه ایران را به تصویر می‌کشد. همان طور که نمایان است نزدیک به ۴۰ درصد از دانشجویان اظهار کرده‌اند که خانواده‌هایشان آنها را به تحصیل در رشته‌های سا درآمد بالا تشویق و ترغیب کرده‌اند و همچنین بیشتر از ۳۰ درصد از دانشجویان هدف از ورود خود به دانشگاه را تأمین مالی زندگی آینده خود معرفی کرده‌اند و نتایج این نمودار پرده از این واقعیت برمی‌دارد که مردم جامعه ما بیشتر به سمت مادی‌گرایی سوق پیش کرده‌اند تا معنویت‌گرایی.



### ۴.۱. نظریات دانشمندان غربی و ایرانی در باب سبک زندگی غربی

در این بخش ابتدا نظریات اندیشمندان غربی را در مورد سبک زندگی بررسی

خواهیم کرد، سپس به سراغ نظریات دانشمندان روش‌نگر ایرانی در این زمینه خواهیم رفت. این فصل مروری است بر مهم‌ترین نظریات در مورد سبک زندگی.

#### ۱.۴.۱. آفرد آدلر

همان طور که در ابتدای بحث بدان اشاره شد موضوع سبک زندگی ابتدا از سوی اندیشمندان روانشناس غربی، همچون آلفرد آدلر در اوایل قرن بیستم میلادی ارائه گردیده است. روان‌شناسی آدلر مبتنی بر ارزش‌های است و نظریه سبک زندگی او نیز خالی از ارزش‌ها نیست. وقتی از استین یکی از شاگردان آدلر در این مورد سؤال شد، او پاسخ داد: «بدیهی است ارزش‌های آشکار، هسته نظریه، فلسفه و عمل آدلر هستند و جهت‌گیری‌های شخصی حرفه‌ای او را تأمین می‌کنند» (کاویانی، ۱۳۹۱، ۳۵۲). آدلر یکی از بنیان‌گذاران روانشناسی فردی است. خود او در این مورد می‌گوید: «روانشناسی فردی قادر است نمونه‌هایی عرضه کند تا برای حصول یک زندگی قابل تحمل تر به کار آید» (همان، ۳۵۲). نظریه سبک زندگی آدلر، نظریه شخصیت او نیز محسوب می‌شود. آدلر می‌گوید: «همه افراد از دوران اولیه کودکی، قانون حرکت واحد خود را به وجود می‌آورند. هدف این حرکت همیشه، غلبه بر مشکلات زندگی فرد است. حرکت منسجم فرد به سوی هدف شخصی، نشان‌گر امنیت و اهمیت سبک زندگی او است» (اسکین و کرن، ۱۳۸۹، ۳۴). آدلر سبک زندگی را این گونه خلاصه می‌کند: «سبک زندگی مفهومی کلی است که افزون بر هدف، در بردارنده اندیشه فرد درباره خود، دنیا و همچنین شیوه منحصر به فرد او در تلاش برای رسیدن به هدف، در شرایط خاص است. سبک زندگی فرد، پلی است به سوی نیل به هدف شخصی» (همان، ۳۵).

## ۲.۴.۱ تورستین و بلن

۲۰۳

پیشتر از وبلن (۱۸۵۷-۱۹۲۹) در تحلیل ریشه‌های اجتماعی - روان‌شناسی انگیزش‌های رفتاری در قالب سبک زندگی (سبک رقابت‌آمیز) و کارکردهای پنهان آن (مانند مصرف چشم‌گیر و خودنمایانه کالاهای تجملی) باعث شد تا به عنوان یکی از نظریه‌پردازان عرصه علوم اجتماعی قلمداد شود. وبلن امروزه در علوم اجتماعی نامی چندان آشنا نیست، اما در سال‌های آغازین سده بیست، تأثیر به سزایی بر اندیشمندان حوزه (مانند ماکس وبر) گذاشت. اگرچه او به صورت مستقل به مفهوم سبک زندگی نپرداخت، اما در آثار خود<sup>۳</sup> از این اصطلاح به عنوان مبنایی برای تحلیل بهره برد. برای درک بهتر بحث او درباره سبک زندگی، ابتدا خلاصه‌ای از اندیشه‌های وی درباره این اصطلاح ارائه می‌شود.

وبلن در مورد اجتماع بشری معتقد است افراد برای تداوم و توسعه زندگی خود مجبور به حضور در اجتماع هستند. در اجتماع روش‌های سازگاری با هم و با محیط‌شان به عادات و رسومی تبدیل می‌شود که با مرور زمان در قالب نهادهای اجتماعی تبلور می‌یابد. «نهادها الگویی متشكل از رفتار جمعی یا گروهی است که به عنوان جزء و بخش اساسی یک فرهنگ پذیرفته می‌شود؛ نهادها شامل رسوم، عادات اجتماعی، قوانین، روش‌های فکری و به طور کلی روش (سبک) زندگی است» (تورستین، ۱۳۸۶، ۹۵).

یکی از دیدگاه‌های وبلن، که به خوبی ارزش کارهای او را روشن می‌کند و به شدت مورد توجه سایر محققان قرار گرفته است، دیدگاه او در باب رقابت است. وبلن پایگاه (شأن و منزلت) فرد را در ابعاد اقتصادی تعیین کننده عادات فکری و رفتاری اش می‌دانست. از نظر او در یک فرهنگ رقابتی افراد تلاش می‌کنند به مراتب بالاتری از این شأن و منزلت دست یابند. وبلن در گام بعدی چنین پیشنهاد کرد که منزلت و احترام امری است مقایسه‌ای و بازتابی. معمولاً فرد به میزان شأن و منزلتی که دیگران برای او قائلند برای خود احترام قائل

می‌شود و هر میزان از این احترام که به دست می‌آید پایه‌ای است برای انتظار و توقع مرتبه بالاتر. او در بررسی زندگی طبقه بورژوا، دریافت افراد این طبقه با شیوه تعذیه، پوشاک و مسکن خویش می‌خواهند نشان دهند که نیازی به کار کردن ندارند و اوقاتشان به فراغت می‌گذرد. او در رفتارهای مصرفی این طبقه، که آنها را طبقه تن آسان<sup>۴</sup> نامید، سبکی را بازساخت که آن را مصرف خودنمایانه یا چشم‌گیر خواند. از نظر وبلن اگر این سبک زندگی در گذشته به طبقات بورژوا محدود بود امروز این نمایش‌ها همه طبقات و گروههای اجتماعی را فراگرفته است. پس افراد کالاهای را مصرف می‌کنند، نه تنها به جهت بهره‌برداری از کارکردهایی که برای آن ساخته شده‌اند، بلکه به جهت جنبه نمادینشان. به عنوان مثال شمع روشن سر میز غذا، دلالت بر این می‌کند که میزان می‌خواهد سبک زندگی سخاوت‌مندانه ویژه طبقه بالا را به مهمانش نشان دهد یا این که خاویار خوردن نشانه حسن ذاته یک فرد متشخص است. حتی ممکن است کارکردهای آشکاری برای یک پدیده وجود نداشته باشد، به عنوان مثال وقتی خانمی ناخن‌های خود را بلند می‌کند و لاک می‌زند یعنی محترم‌تر از آن است که کار یدی انجام دهد (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ۸۲ و ۸۳).

#### ۳.۴.۱ جلال آل احمد

از میان اندیشمندان و منورالفکران این مرز و بوم، شخصیت‌های برجسته‌ای نظری مرحوم احمد فردید و مرحوم جلال آل احمد ذیل عنوان غرب‌زدگی قلمزنی کرده‌اند و به نوبه خود، نگرانی‌هایشان را در این مورد عنوان کرده‌اند. مفهوم غرب‌زدگی به شکلی دیگر از سوی دیگر غرب‌پژوهان و غرب‌شناسان ایرانی چون فخرالدین شادمان به کار رفته است. از میان این اندیشمندان در این نوشتار بیشتر به نظریه جلال خواهیم پرداخت. دیدگاه آل احمد درباره غرب‌زدگی را شاید بتوان برجسته‌ترین نمود اندیشه اجتماعی او دانست. کتاب غرب‌زدگی وی خیل عظیمی از روشنفکران دینی و غیردینی را وادار به واکنش کرد. نگاه جلال

به غرب عموماً آسیب‌شناختی است. جلال عموماً غرب را در این کتاب از منظر اقتصادی معرفی می‌کند، یعنی «شامل همه ممالکی است که قادرند به کمک ماشین مواد خام را به صورت پیچیده‌تری درآورند و همچون کالایی به بازار عرضه کنند» (آل احمد، ۱۳۹۰، ۱۳ و ۱۴). او بر این اساس دنیا را به دو دسته سازنده و مصرف‌کننده ماشین تقسیم می‌کند. در نتیجه او غرب پیشرفته مدرن را سازنده ماشین و شرق عقب مانده سنتی را مصرف‌کننده ماشین می‌داند و اعتقاد دارد که ما نتوانسته‌ایم شخصیت فرهنگی - تاریخی خود را در قبال هجوم ماشین حفظ کنیم و از این موضوع انتقاد می‌کند. او احساس عقب‌ماندگی در شرق ایرانی و پیشرفت در غرب را موجب شکل‌گیری غرب‌زدگی می‌داند.

در یک جمع‌بندی کلی در باب آسیب‌شناسی سبک زندگی امروز ایرانیان باید گفت سبک مصرف گرایانه‌ای که اکنون برخی از خانواده‌های جامعه‌ما در پیش گرفته‌اند، هر چه باشد، به نفع کشور و جامعه‌ما و در جهت تعالی و تکامل آیندگان جامعه‌ما نخواهد بود. ما نیازمند طراحی شیوه‌های جایگزین زندگی هستیم، که هم مناسب جامعه‌ماست و هم در جهت تعالی فرزندان ما قرار دارد، در ادامه نوشتار، ما به چنین طرحی می‌برداریم.

### طراحی سبک زندگی فقهی و بهشتی مبتنی بر قرآن

انقلاب اسلامی حاوی نگرشی نو به جهان بود و دریچه تازه‌ای به سوی انسان عصر مدرنیته گشود تا وی بتواند از دیوارهای بلند انحصار و خودبینی و تک بعدی نگری رها شده و در بستری تازه و از دیدگاهی متفاوت به خود، هستی و خدا بنگرد. از دیدگاه ما اصلی‌ترین ثمرة این تفاوت دیدگاه، در شیوه زیست این دو نگاه ظاهر می‌شود. مدرنیته در پی بنیاد کردن زندگی براساس دنیا و منافع دنیوی است و انقلاب اسلامی در پی احیای زندگی چند بعدی با تجمیع دنیا و آخرت. در واقع می‌توان مدعی شد، اگر انقلاب اسلامی شیوه زیست متفاوتی با دنیای مدرنیته عرضه نکند، تفاوت مهمی با غرب نخواهد داشت. به عبارت دیگر

پارادایم متفاوت انقلاب اسلامی در حکومت، باید به پارادایم متفاوتی در سبک زندگی منجر شود. برای تشریح این مسأله، سبک زندگی در نگاه سکولاریستی را بررسی کرده و آنگاه سبک زندگی پیشنهادی این نوشتار را مطرح می‌کنیم.

#### ۱. شیوه زندگی در دیدگاه سکولاریسم

به طور کلی نگاه دانشمندان دوران جدید غرب، یعنی از حدود سده پانزدهم میلادی به زندگی بشر، نوعی نگاه مذهب گریز است. این دیدگاه در سده‌های بعدی به ویژه در عصر روشنگری اروپا تشدید نیز می‌شود (چارلز کاپلستون، ۱۳۸۹، ۱۶). به طوری که اساساً برخی متفکران غربی خواهان حذف قوانین و مقررات دینی و یا حذف نهاد دین (کلیسا) از زندگی انسان شدنند. جدایی دین از دنیا، که با نام سکولاریسم شناخته می‌شود، از عمده‌ترین ثمرات و نتایج مدرنیته بود.

در آغاز به تبیین معنا و مفهوم سکولاریسم پرداخته و آنگاه به تفاوت آن با شیوه زندگی اسلامی می‌پردازیم.

اصطلاح عرفی شدن به طور معمول معادل اصطلاح «secularization» به کار می‌رود. واژه «secular» برگرفته از اصطلاح لاتینی «saeculum» یا «saecularum» به معنی قرن و سده است. تعییر عام‌تر از این مفهوم، به هر چیز متعلق به این جهان اشارت دارد (شجاعی زند، ۱۳۸۱، ۵۵).

به نظر بسیاری از محققان، این واژه، معادل مشخص و جافتاده‌ای در زبان فارسی ندارد (سروش، ۱۳۸۴، ۷۳). در فارسی، معانی ذیل به کار رفته: «نادینی، دین‌زادایی، دیانت‌زادایی، غیردینی کردن، دنیوی‌سازی، دنیوی کردن، دنیوی شدن، دنیاگرایی، سکولارسازی و عرفی شدن» (شجاعی زند، ۱۳۸۱، ۵۶-۵۷).

در اصطلاح، تعریف جامعی از این مفهوم وجود ندارد. برخی از نویسنده‌گان آن را چنین تعریف کرده‌اند: «این اصطلاح نوعاً به دو فرایند مرتبط به هم اطلاق می‌شود؛

الف - معنی اول عرفی شدن، دنیاوی شدن ... در این معنی عرفی شدن عبارت است از عبور مفاهیم و مقولات از ساحت قدسی به ساحت ناسوتی ... عرفی شدن به این معناست که نهاد دین<sup>۵</sup> که در اعصار گذشته، دارای کارکردهای گوناگونی بوده و ظایف خود را واگذار می‌کند؛ و دولت به عنوان اعقل عقلاء، امور شهروندان را بر مبنای مصالح و منافع ملی رتق و فتق می‌کند. پس عرفی شدن بدین معناست که دولت منشأ اعتباریات حقوقی شود» (حجاریان، ۱۳۸۰، ۷۹-۷۷).

در نگاه سکولاریستی، دین از حوزه زندگی انسان خارج می‌شود و در واقع نگاه انسان از یک دیدگاه جامع دنیوی - اخروی به یک دیدگاه تنگ و محدود دنیوی تغییر می‌کند. یکی از تفاوت‌های اساسی و بنیادین شیوه زیست در مدرنیته و انقلاب اسلامی در همین نگاه سکولاریستی غرب به زندگی نهفته است. در برابر این نگاه آخرت‌گریز، انقلاب اسلامی نگاه تجمیعی دنیا - آخرت را پیشنهاد می‌کند. از جمله پیامدهای عمدۀ این نگاه به زندگی در غرب، سست شدن کانون خانواده است. زیرا چنان که روشن است بسندۀ کردن به دنیا به معنای نوعی لذت‌گرایی است و پیداست که لذت‌گرایی در ذات خود با خانواده و عنصر وفاداری که ستون اصلی پایداری خانواده است در تناقض و تضاد است. بسیاری از روشنفکران جامعه‌ما خواسته یا ناخواسته به تبلیغ و ترویج نگاه سکولاریستی و زندگی آخرت‌گریز پرداخته‌اند. سیاست رژیم منحوس بهلوی نیز دقیقاً در همین راستا قرار داشت که در بخش دوم این مقاله به طور مفصل به این دیدگاه‌ها پرداخته شد. طرحی که این نوشتار در صدد ارائه آن است، مبتنی بر نوعی نگاه قرآنی به زندگی و خانواده است. در دو بخش نخست این مقاله به برخی از عناصر تشکیل دهنده خانواده که والدین بخشی از آن بود اشارت رفت. البته در نگاه دینی می‌توان خانواده را به جامعه نیز تعمیم داد. از این رو در بخش نخست این نوشتار به بررسی مسائل مربوط به همسایه در نگاه اسلامی نیز پرداخته

شد، اما اینک در صدد تشریح طرح قرآنی زندگی که این نوشته از آن به زندگی بهشتی تعبیر می کند هستیم.

**۲. نقش خانواده در طرح زندگی بهشتی از دیدگاه قرآن**

چنان که در بالا اشاره شد طرح زندگی بهشتی بر مفهوم خانواده استوار است. خانواده در گام اول از زوجین آغاز می شود. قرآن کریم در آیه ۲۱ سوره روم می فرماید: ﴿وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْواجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾. مفسران اسلامی در تشریح این آیه به مسائل جالب توجهی اشاره کرده اند. علامه طباطبائی ره، در تفسیر آیه فوق با اشاره به این که هر یک از زن و مرد با دیگری و در کنار وی کامل می گردد، می نویسد: «کلمه مودّت تقریباً به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد ... یکی از روشن ترین جلوه گاه ها و موارد خودنمایی مودّت و رحمت، جامعه کوچک خانواده است ... و اگر این رحمت نبود، نسل به کلی منقطع می شد، نظیر این مورد مودّت و رحمتی است که در جامعه بزرگ شهری، و در میان افراد جامعه مشاهده می شود، یکی از افراد وقتی همشهری خود را می بیند، با او انس می گیرد، و احساس محبت می کند، و به مسکینان و ناتوانان اهل شهر خود که نمی توانند به واجبات زندگی خود قیام کنند، ترحم می نماید. و به طوری که از سیاق برمی آید مراد از مودّت و رحمت در آیه همان مودّت و رحمت خانوادگی است، هر چند که اطلاق آیه شامل دومی نیز می شود» (ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۷۴، ۱۶/۲۵۰).

تفسیر نمونه نیز ذیل تفسیر این آیه چنین آورده است:

«به راستی وجود همسران... مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر شد، به طوری که هر یک بدون دیگری ناقص است، و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته

باشد ... البته آیه مودت و رحمت را میان دو همسر بیان می‌کند، ولی این احتمال نیز وجود دارد که تعبیر «بینکم» اشاره به همه انسان‌ها باشد، که دو همسر یکی از مصادیق بارز آن محسوب می‌شوند، زیرا نه تنها زندگی خانوادگی که زندگی در کل جامعه انسانی بدون این دو اصل، یعنی مودت و رحمت امکان‌پذیر نیست، و از میان رفتن این دو پیوند، و حتی ضعف و کمبود آن، مایه هزاران بدبهختی و ناراحتی و اضطراب اجتماعی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۹۱-۲۹۲).

دو نکته اساسی در هر دو تفسیر فوق موج می‌زنند؛ ابتدا تأکید قرآن بر رحمت بودن و مودت در خانواده و آرامش ناشی از آن و سپس تعیین همین رحمت و مودت و آرامش به کل جامعه دینی.

پرسشی که اکنون می‌توان مطرح کرد آن است که «اگر زندگی در یک خانواده و به تبع آن در یک جامعه بر پایه ایجاد آرامش برای دیگران پایه‌گذاری شود حاصل آن چه خواهد بود؟». فرض کنیم همه افراد جامعه از جانب دیگران در آرامش و امنیت قرار بگیرند نتیجه چه خواهد بود؟. آیا چنین جامعه‌ای قطعه‌ای از بهشت نخواهد بود؟! مگر نه این است که یکی از ویژگی‌های اصلی بهشت وجود امنیت و آرامش است؟! «لا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَ لَا تَأْثِيمًا إِلَّا قِيلَ سَلَامًا سَلَامًا»، در آن (باغ‌های بهشتی) نه لغو و یهوده‌ای می‌شنوند، نه سخنان گناه‌آلود؛ تنها چیزی که می‌شنوند «سلام» است «سلام»! (واقعه/۲۵-۲۶).

### ۳. تفاوت سبک زندگی سکولاریستی و زندگی بهشتی

اینک می‌توان این نگاه و روش زندگی را با شیوه زیست سکولاریستی در قیاس قرار داد. آیا نتیجه نگاه دنیاگرایانه آن نیست که دیگران را به مثاله ابزاری برای رسیدن به دنیای بهتر و لذت بیشتر بنگریم؟! این همان نکته مهمی است که در جامعه‌شناسی مارکسیستی از آن تعبیر به شیء شدگی انسان می‌شود (بسیریه، ۱۳۸۴، ۲۰۳). در این نگاه، به انسان‌ها نیز مانند اشیاء، ابزاری برای رسیدن به

اهداف نگریسته می‌شود! بنابراین به راحتی می‌توان آنان را در راه رسیدن به اهداف قربانی کرد و از ایشان نرdban ساخت و به هدف نزدیک شد. این نتیجه حذف دین و خدا از صحنه زندگی است.

نکته دیگری که طرح زندگی بهشتی در صدد تبیین و تأکید آن است، این که در شیوه زندگی مبتنی بر دین اسلام و قرآن کریم، مایه اصلی آرامش خداست. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُ الْقُلُوبُ﴾ (رعد/۲۸).

در این آیه آرامش از نتایج ایمان به خدا برشمرده شده است. جالب آن است که دنیای مدرن ابتدا خدا را از زندگی حذف می‌کند، آنگاه بناian خانواده سست می‌شود و سپس زندگی بی‌معنا می‌شود و نیهیلیسم بر در می‌کوید و بحران معنا و هویت هویدا می‌شود و اینک همه به دنبال آرامش می‌گردند. متأسفانه در جامعه ما نیز این گونه افکار ترویج و تبلیغ می‌شود. در حالی که انسان باید مایه آرامش انسان باشد و در همین دنیا بهشت را تجربه کند، دیگران را به مثابه و سیله‌ای پست و ناچیز برای کسب درآمد بیشتر و در نتیجه لذت بالاتر و برتر به قربانگاه می‌فرستند.

### نتیجه‌گیری

از دیدگاه این نوشتار، طرح زندگی بهشتی مبتنی بر وجود پرنگ خدا در زندگی است. زندگی در سایه خدا مایه آرامش فراگیر است و در سایه همین آرامش است که همسران و فرزندان مایه آرامش یکدیگرند و این آرامش از منع و سرچشمۀ اصلی آن که خداست، پس از جریان در فضای زندگی خانواده به کل جامعه سریان پیدا می‌کند و سراسر آن را دربرمی‌گیرد. نمونه عینی این جامعه بهشتی را می‌توان در شهر پیامبر ﷺ در دوران حیات ایشان به خوبی مشاهده کرد. بنابراین چنانچه جامعه در پی ایجاد سبک زندگی بر مبنای دین و

آموزه‌های دینی است می‌تواند براساس این آیات و خطوط کلی به طراحی قواعد لازم پردازد و در ضمن به اطلاعات تاریخی در باب شیوه زندگی پیامبر ﷺ و اصحابش در مدینه نیز مراجعه کرده و آن را به صورت سند و طرح عملی مد نظر قرار دهد.

### پی‌نوشت‌ها

1. individualism
2. that's your problem
3. the theory of leisure
4. leisure class
5. church-state differentiation

### منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- ۱. آل احمد، جلال (۱۳۹۰)، غرب زدگی، تهران، انتشارات آدینه سز، چاپ چهارم.
- ۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۲)، الخصال، ترجمه یعقوب جعفری، قم، انتشارات نسیم کوثر، چاپ اول.
- ۳. اردبیلی، حسین بن شرف الدین (قرن دهم) (بی‌تا)، ترجمة نهج البلاغه، بی‌جا، انتشارات دفتر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام.
- ۴. اسکین، دنیل و کرن، روی (۱۳۸۹)، ارزیابی و درمان سبک زندگی، مترجمان: حمید علیزاده، محسن سیفی و فروزان کرمی، تهران، انتشارات رسشن، چاپ اول.
- ۵. اصفهانی، حسین بن محمد راغب (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان - سوریه، انتشارات دارالعلم - الدار الشامیه، یک جلد، چاپ اول.
- ۶. بابایی، احمد علی (۱۳۸۲)، برگزیده تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم.
- ۷. بشیریه، حسین (۱۳۸۴)، تاریخ اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم، تهران، انتشارات نی، جلد اول.
- ۸. پاشا (متخلص به شادفرهنگ)، محمد (۱۳۳۵)، فرهنگ لغت آندراج؛ جلد چهارم، به تصحیح محمد ذیرسیاقی، تهران، انتشارات شاهنامه فردوسی.
- ۹. پایگاه اطلاع‌رسانی آیت الله خامنه‌ای [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir) (۱۳۹۱)، بخش سفر به خراسان شمالی.
- ۱۰. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)؛ تهران،

انتشارات دنیای دانش، چاپ چهارم.

۱۱. منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم علیهم السلام (۱۴۰۰ق)، *مصابح الشریعة*، بیروت، انتشارات اعلمی، چاپ اول.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۱)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم.
۱۳. چارلز کاپلستون، فردیک (۱۳۸۹)، *تاریخ فلسفه*، جلد ششم، ترجمه اسماعیل سعادت و منوچهر بزرگنیا، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۱۴. حجاریان، سعید (۱۳۸۰)، از شاهد قدسی تا شاهد بازاری؛ تهران، انتشارات طرح نو.
۱۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *فرهنگ لغت دهخدا*، جلد نهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، دوره ۱۶ جلدی.
۱۶. سروش، عبدالکریم و دیگران (۱۳۸۴)، *سنت و سکولاریسم*، تهران، انتشارات صراط.
۱۷. شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۱)، *عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی*، تهران، انتشارات باز.
۱۸. شهید ثانی، زین الدین بن علی (بی‌تا)، *مسکن الفؤاد عند فقد الأحبة و الأولاد*، قم، انتشارات بصیرتی.
۱۹. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة*، قم، بی‌نا، چاپ اول، جلد هفتم.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۱۶، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۱. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۷۴)، *مشکاة الأنوار*، ترجمه عطاردی، تهران، انتشارات عطارد، چاپ اول.
۲۲. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، *مجمع البحرين*، تهران، انتشارات کتابفروشی مرتضوی، جلد سوم.
۲۳. علی بن الحسین، امام چهارم علیهم السلام (۱۳۷۶)، *الصحيفة السجادية*، ترجمه و شرح فیض الإسلام، تهران، انتشارات فقیه، چاپ دوم.
۲۴. علی بن موسی، امام هشتم علیهم السلام (۱۴۰۶ق)، *صحيفة الإمام الرضا* علیهم السلام، ترجمه حجازی، مشهد، انتشارات کنگره جهانی امام رضا علیهم السلام، چاپ اول.
۲۵. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، تهران، انتشارات دارالکتب الإسلامية، چاپ ششم، جلد دوم.
۲۶. کاویانی، محمد (۱۳۹۱)، *سبک زندگی و ابزار سنجش آن*، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، *اصول الکافی*، ترجمه مصطفوی، تهران، انتشارات کتابفروشی علمیه اسلامیه، چاپ اول، جلد سوم.